

نگاهی به مسأله تضمین

محمدسعید وحیدپور*

چکیده

یکی از صنعت‌های ویژه زبان عربی، تضمین است که کم‌تر مورد توجه علما و مترجمان قرار گرفته است. از تضمین در علم بلاغت نیز بحث می‌شود اما در این مقاله سعی شده است با بررسی کتب مختلف نحوی، به طور مختصر به ابعاد مختلف تضمین نحوی پرداخته شود. بعضی از علمای نحو در ضمن بحث تعدی و لزوم فعل، به صورت استطرادی از تضمین بحث کرده‌اند. تضمین آن است که یک لفظ معنای دو لفظ را به وسیله قرینه برساند و حکم لفظ دوم را بگیرد. استعمال این اسلوب، به غرض اختصار انجام می‌گیرد. تضمین در واقع روی دیگری از مبحث «منصوب بنزع الخافض» و استعمال حروف به جای یکدیگر است.

واژگان کلیدی:

تضمین، إشراب، نیابت حروف، منصوب بنزع الخافض

* طلبة پایه چهارم مدرسه شهیدین (ره)



مقدمه

تضمین از مباحث مهم و در عین حال کم‌تر مورد توجه قرار گرفته در زبان عربی است. اگر چه برخی از علمای ادبیات عرب در کتب خود به آن پرداخته‌اند ولی امروزه در حوزه‌های علمیه و در فرآیند یادگیری ادبیات عرب، اثری از بحث مهم تضمین دیده نمی‌شود در حالی که فهم و ترجمه منابع دینی در موارد متعددی متوقف بر شناخت این صنعت است. برخی همچون سیوطی در کتاب «الأشباه و النظائر» و ابن هشام در کتاب «معنی الکتب» بابی جداگانه را به تضمین اختصاص داده‌اند. در میان کتب معاصر نیز می‌توان بحث تفصیلی راجع به تضمین را در کتاب «النحو الوافی» از عباس حسن یا «التضمین النحوی فی القرآن الکریم» اثر دکتر محمد ندیم فاضل یافت. گاهی از این مبحث تحت عنوان «إشراب» هم تعبیر می‌شود.^۲ تضمین با مباحث دیگری در نحو از جمله بحث «منصوب بنزع الخافض» یا بحث استعمال حروف به جای یکدیگر^۳ گره خورده است و گویی وجه دیگری از این مباحث به شمار می‌رود و شاید به همین دلیل است که اکثر نجات به طور مستقل، متعرض مبحث تضمین نشده‌اند و در باب تعدی و لزوم و یا در بحث از حروف جار به آن پرداخته‌اند.

در زبان عربی فعل دارای ظرفیت بالایی است؛ یعنی قابلیت حمل معانی مختلفی را داراست و با آوردن حرف جر می‌توان آن معنای گسترده را به سمت کلمه‌ای که مقصود است کشاند. به عبارتی افعال با حروف خاصی متعدی می‌شوند. لکن در برخی از استعمالات دیده می‌شود که حرف جر، در جایی که انتظار آمدن آن می‌رفته است ذکر نشده و به جای آن، فعل مستقیماً به معمول خود نصب داده است. در جایی دیگر، انتظار آمدن حرفی می‌رفته که غالباً با فعل استعمال می‌شود اما حرف دیگری به

۲. ن. ک.: عباس حسن، النحو الوافی، ج ۲، ص ۵۲۲

۳. استعمال حروف به جای یکدیگر را «تناوب الحروف» نیز می‌نامند.



جای آن نشسته و با همان فعل قبلی استعمال شده است. به عنوان مثال برای مورد اول، در آیه ۲۳۵ از سوره مبارکه بقره می‌خوانیم:

«وَلَا تَعَزُّمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ»

که در اینجا ماده عزم به طور مستقیم باعث نصب «عقده» شده است در حالی که باید به وسیله حرف جر «علی» در آن عمل می‌کرد. مثال مورد دوم نیز آیه ۷۷ سوره مبارکه انبیاء است:

«وَوَصَّرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا»

که در اینجا ماده نصر با حرف جر «من» به کار رفته است در حالی که باید با حرف جر علی در معمول خود عمل می‌کرد. نحات با این پدیده در زبان عرب مواجه شدند و تحلیل‌های مختلفی از آن ارائه کردند. برخی همچون نحات مکتب کوفه قائل شده‌اند که حروف از یکدیگر نیابت می‌کنند. مثلاً در همین آیه اخیر، من به معنای علی آمده است. اما عده‌ای دیگر نه تنها این نظر را نمی‌پذیرند بلکه آن را بی‌توجهی به لطائف و دقائق زبان عربی می‌دانند. ابن جنی در خصائص می‌گوید:

«هذا باب يتلقاه الناس مغسولاً ساذجا من الصنعة. و ما أبعد الصواب عنه و

أوقفه دونه.»^۴

این گروه که شامل نحات مکتب بصره می‌شود به سمت تضمین رفته‌اند؛ یعنی به جای توسع در حروف، توسع در افعال را قبول کرده‌اند.^۵ بنابراین متکلمین زبان عربی و همه نحات متوجه این عدول از اصل و وجود تفاوت در استعمالات شده‌اند ولی تحلیل‌های متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. در ادامه به بررسی و نقد دو دیدگاه می‌پردازیم.

۴. ابن جنی، الخصائص، ج ۲، ص ۹۱

۵. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۰۱؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۱؛

ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۱۱۱



تعریف لغوی و اصطلاحی

«تضمین» اصطلاحی است مشترک که هم در علم نحو و هم در علم بلاغت به کار می‌رود. تضمین از ماده ضمن است و در لغت اینگونه آمده است:

«ضَمَّنَ الشَّيْءَ الشَّيْءَ: أَوْدَعَهُ إِيَّاهُ»^۶

یعنی چیزی را به چیزی سپردن، چیزی را در چیزی قرار دادن.

در تعریف اصطلاحی آن باید گفت: تضمین عبارت است از إشراب و قرار دادن معنای لفظی در لفظ دیگر همراه با قرینه به طوری که احکام لفظ دوم در لفظ اول جاری می‌شود.^۷

نقد دو دیدگاه

اصل در کلمه آن است که در معنای موضوع له خود به کار رود و از آن خارج نشود.^۸ مرحوم رضی می‌گوید:

«و اعلم أنه إذا أمكن في كل حرف يتوهم خروجه عن أصله و كونه بمعنى كلمة أخرى، أو زیادته أن يبقى على أصل معناه الموضوع هو له، و يضمّن فعله المعدّي به معنى من المعانى يستقيم به الكلام، فهو الأولى، بل الواجب؛ فلا نقول ان «على» بمعنى «من» في قوله تعالى تعالى: «إِذَا أَسْأَلُوا عَلَى النَّاسِ» بل يضمّن «كالوا» معنى تحكموا في الاكتيال و تسلطوا.»^۹

در اینجا ایشان تصریح می‌کند که در دو راهی نیابت حروف یا تضمین، تضمین اولی بلکه واجب است. همچنین سید علی خان مدنی نیز نقل می‌کند:

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۵۷

۷. ن. ک: ابن هشام، معنى اللبيب، ج ۲، ص ۶۸۵؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۰۱

۸. رضی، شرح الرضی علی الکافیة، ج ۴، ص ۳۳۳؛ سید علی خان مدنی، الحدائق الندیة، ص ۲۲۳

۹. رضی، شرح الرضی علی الکافیة، ج ۴، ص ۳۲۹



«التضمین أولى من الحمل علی النصب بنزع الخافض، فإنّ التضمین أكثر وروداً فی اللغة و أدقّ مسلکاً.»^{۱۰}

پس در دو راهی منصوب بنزع الخافض و تضمین هم، برگزیدن تضمین مقدم است؛ چرا که منصوب بنزع الخافض تنها یک تحلیل لفظی است و به بیان تفاوت معنایی آن نمی‌پردازد اما در تضمین، علاوه بر این که علت منصوب شدن را تضمین یک فعل متعدی در فعل لازم می‌دانند، معنا را نیز دقیق‌تر و متفاوت‌تر تبیین می‌کنند. برخی از نحوات از جمله ابن سراج در میان متقدمین و دکتر سامرائی در میان متاخرین، قائل به نیابت حروف هستند اما نه به صورت مطلق و دائمی. چرا که این گروه معتقدند گاهی برای یک معنا چند حرف بکار می‌رود. بنابراین برای به کار بردن حروف به جای یکدیگر، باید میان آن‌ها تقارب معنایی وجود داشته باشد.^{۱۱} ابن سراج می‌گوید:

«و اعلم أن العرب تتسع فیها فتقیم بعضها مقام بعض إذا تقاربت المعانی فمن ذلك: الباء، تقول: فلان بمكة و فی مكة و إنما جازا معاً لأنك إذا قلت: فلان بموضع كذا و كذا فقد خبرت عن اتصاله و التصاقه بذلك الموضع، و إذا قلت: فی موضع كذا فقد خبرت بفی عن احتوائه إياه و إحاطته به فإذا تقارب الحرفان، فإن هذا التقارب يصلح للمعاقبة، و إذا تباین معانها لم یجز. ألا ترى أن رجلاً لو قال: مررت فی زید أو: كتبت إلى القلم لم یكن هذا یلتبس به فهذا حقيقة تعاقب حروف الخفض فمتی لم یتقارب المعنی لم یجز.»^{۱۲}

۱۰. سید علی خان مدنی، *الحدائق الندیة*، ص ۳۰۴

۱۱. فاضل السامرائی، *معانی النحو*، ج ۳، ص ۷-۹

۱۲. ابن سراج، *الأصول فی النحو*، ج ۱، ص ۳۶۹

یک تقسیم بندی برای تضمین

در یک تقسیم بندی می توان تضمین را به دو بخش تقسیم کرد: ذاتی و عرضی؛ ذاتی یعنی از ابتدای وضع، معنایی در لفظ غیر از معنای اصلی خودش گنجانده شده است. این مورد را می توان در اسماء شرط مشاهده کرد. اسماء شرط مبنی هستند و نجات دلیل مبنی بودن این اسماء را شباهت معنوی آن ها به حروف می دانند. به عنوان مثال، معتقدند «متی» شرطیه علاوه بر معنای زمان که یک معنای اسمی است متضمن معنای «ان» شرطیه است. یا مثلاً در اسماء استفهام، «کم» متضمن معنای همزه استفهام است.^{۱۳} از ابتدای وضع معنای شرط در آن ها تضمین شده است. اما تضمین عرضی همان است که از ابتدا درباره آن بحث شد و از ابتدای وضع لفظ متضمن معنای لفظ دیگری نبوده است که غالباً می توان آن را در تضمین فعلی در فعل دیگر مشاهده کرد.

غرض از تضمین

همان گونه که بیان شد استفاده از اسلوب تضمین، در واقع مثنی بر خلاف اصل است و برای این چنین استعملاتی در کلام متکلم بلیغ، حتماً باید به دنبال منظور و غرض گشت. در این رابطه علمای نحو گفته اند غرض از تضمین آن است که با یک لفظ، دو معنا رسانده شود و این باعث اختصار می شود. ابن هشام می گوید:

«و فائده: أن تؤدی كلمة مؤدی كلمتين.»^{۱۴}

همچنین زمخشری غرض از تضمین را اینگونه بیان می کند:

«الغرض فيه إعطاء مجموع معنيين، و ذلك أقوى من إعطاء معنی فدا.»^{۱۵}

۱۳. سیوطی، الأشباه و النظائر، ج ۱، ص ۱۰۷

۱۴. ابن هشام، معنی اللیب، ج ۲، ص ۶۸۵

۱۵. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۷۱۷



قرینه تضمین

تضمین یک پدیده زبانی است و شکی نیست که احراز هر پدیده زبانی نیاز به قرینه دارد. بارزترین و شایع‌ترین قرینه تضمین، استعمال غیرمنتظره یک حرف جر یا حذف آن است^{۱۶} که ممکن است در حالت‌های مختلفی رخ دهد. از جمله:

۱. تضمین فعل لازم در فعل متعدی مثل: «فلیحذر الذین یخالفون عن أمره»^{۱۷} در واقع فعل «یخالفون» به صورت متعدی و بدون واسطه حرف جر استعمال می‌شود. بنابراین فعلی مانند «إعراض» که با حرف جر «عن» به کار می‌رود در آن تضمین شده است.^{۱۸}

۲. تضمین فعل متعدی در فعل لازم مثل: «لا تعزموا عقدة النکاح»^{۱۹} در اینجا ماده «عزم» با حرف جر «علی» باید استعمال می‌شد. نظر برخی مفسرین بر تضمین فعلی مانند «تنووا» یا «تباشروا» در آن است.^{۲۰}

۳. تضمین فعل متعدی به حرف جر در فعل متعدی به حرف جر دیگر مثل: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ»^{۲۱} در این جا نیز برخی از مفسرین و نحّات قائل‌اند که فعل «لَا تَتَّصِمُوا» تضمین شده است.^{۲۲}

۱۶. سیوطی، الأشیباه و النظائر، ج ۱، ص ۱۰۶؛ مدرس افغانی، مکررات، ج ۲، ص ۲۴۲

۱۷. نور: ۶۳

۱۸. احمد سمین، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ج ۱، ص ۵۸۰؛ ابو حیان، البحر المحیط، ج ۲،

ص ۵۲۵

۱۹. بقره: ۲۳۵

۲۰. احمد سمین، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ج ۱، ص ۵۸۰؛ ابو حیان، البحر المحیط، ج ۲،

ص ۵۲۵

۲۱. نساء: ۲

۲۲. ابن عاشور، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۴، ص ۱۴؛ عباس حسن، النحو الوافی، ج ۲، ص ۵۲۳



چگونگی کشف معنای دوم

یک مخاطب در زبان عربی وقتی با قرائن تضمین مواجه می‌شود، وجود تضمین در متن را در می‌یابد. حال سوال اینجاست که چگونه باید معنای دوم را کشف کرد و فهمید؟ در پاسخ باید گفت با توجه به دو نکته می‌توان این معنای دوم را دریافت. اول آن‌که معنای مجهول معنایی است که با سیاق متن و هم چنین با فعل اصلی و مذکور ارتباط دارد. دوم آن‌که فعلی که باید بیابیم فعلی است متناسب با ذکر یا حذف حرف جر. یعنی مثلاً وقتی با عبارت «سمع الله لمن حمده» مواجه می‌شویم باید به دنبال فعلی بگردیم که اولاً با سیاق معنا متناسب باشد و ثانیاً با حرف جر لام استعمال شود. چنین معنایی می‌تواند «استجاب» باشد.^{۲۳} سید علی خان مدنی در اشاره‌ای به این مطلب، اینچنین می‌نویسد:

«و حقيقة التضمین أن یقصد بالفعل معناه الحقيقي مع ملاحظة معنی فعل آخر فی

ضمنه یناسبه و إعماله عمله بهذه الملاحظة»^{۲۴}

سماعی یا قیاسی بودن تضمین

در این باره نظرات متفاوتی از جانب نحّات بیان شده است. ابن جنی مدعی است که برای تضمین در زبان عربی شواهد و مثال‌های زیادی وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان برای آن، کتابی ضخیم تألیف کرد.^{۲۵} شاید بتوان این کلام او را دالّ بر استطرادی و قیاسی بودن تضمین دانست. اما نحّات بصره و ابو حیان و ابن هشام

۲۳. محمد عشایری منفرد، معنائشناسی بلاغی قرآن، ص ۲۵۷ و ۲۵۸

۲۴. سید علی خان مدنی، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲

۲۵. ابن جنی، الخصائص، ج ۲، ص ۹۴



تضمین را قیاسی نمی‌دانند.^{۲۶} عباس حسن در *النحو الوافی* تضمین را با سه شرط قیاسی می‌داند:^{۲۷}

۱. وجود مناسبت بین دو فعل
۲. وجود قرینه برای دلالت بر معنای دوم
۳. مناسبت و موافقت با ذوق عربی

نتیجه گیری

تضمین یک صنعت ادبی است که طی آن، معنای لفظی در لفظ دیگری تزریق می‌شود یک لفظ، حامل معنای دو لفظ می‌شود و قرینه‌ای بر آن دلالت می‌کند که در اکثر مواقع، ذکر یا حذف حرف جر است. لفظ تضمین شده را با توجه به سیاق و قرینه لفظی می‌توان تشخیص داد. غرض عمده از تضمین اختصار است. متکلم بلیغ با رعایت شروطی می‌تواند از این اسلوب در کلام خودش استفاده کند.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

۲۶. سید علی خان مدنی، *ریاض السالکین*، ج ۱، ص ۶۲؛ سیوطی، *الأشباه و النظائر فی النحو*، ج ۱، ص

۲۷. عباس حسن، *النحو الوافی*، ج ۲، ص ۵۵۲



فهرست منابع

١. قرآن کریم
٢. ابن سراج، محمد بن سری، *الأصول فی النحو*، مكتبة الثقافة الدينية، القاهرة، بی تا.
٣. ابن جنی، عثمان بن جنی، *الخصائص*، دارالکتب العلمیة، بیروت، سوم، بی تا.
٤. ابن عاشور، محمد طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ١٤٢٠ هـ. ق.
٥. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ١٤١٤ هـ. ق، چاپ اول.
٦. ابن هشام، عبد الله بن یوسف، *معنی اللیب*، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ اول، بی تا.
٧. آندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، دارالفکر، بیروت، ١٤٢٠ هـ. ق.
٨. حسن، عباس، *النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة*، ناصر خسرو، تهران، ١٣٦٧ هـ. ش، چاپ اول.
٩. رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن، *شرح الرضی علی الکافیة*، موسسه الصادق للطباعة و النشر، موسسه الصادق للطباعة و النشر، تهران، ١٣٨٤ هـ. ش.
١٠. زرکشی، محمد بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن*، دار المعرفة، بیروت، ١٤١٠ هـ. ق.
١١. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، بیروت، ١٤٠٧ هـ. ق.
١٢. السامرائی، فاضل صالح، *معانی النحو*، شركة العاتک لصناعة الكتاب، القاهرة، بی تا.
١٣. سمین، احمد بن یوسف، *الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤١٤ هـ. ق.



نگاهی به مسأله تضمین | ۱۰۱

۱۴. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، **الإتقان فی علوم القرآن**، بیروت، ۱۴۲۱ ه.ق، چاپ دوم.
۱۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، **الأشباه و النظائر فی النحو**، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ دوم.
۱۶. عشایری منفرد، محمد، **معاشناسی بلاغی قرآن**، انتشارات جامعه الزهراء، قم، ۱۳۹۲ ه.ش.
۱۷. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، **ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۸. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، **الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة**، ذوی القربی، قم، اول.
۱۹. مدرس افغانی، محمد علی، **مکرات**، پیام علمدار، قم، ۱۳۸۸ ه.ش، دوم.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ ه.ش